[38] مجروح شده بود را روى تختى خواباندند وبه مدائن بردند (1). بار سوم با خنجر در وقت نماز به آن حضرت حمله كرده ومضروبش ساختند. امام در برابر اين حوادث آنچه پيش آمده بود امام را در وضعيتى سخت قرار داد، براى تصميم گيرى در برابر آنچه بوقوع پيوسته بود گروهى از سران وبزرگان را دعوت كرد وبراى ايشان سخن گفت وزيانهاى صلح با معاويه را بر شمرد، ولى گفتار امام اثرى نمى بخشيد وآنان از فرصت معالجهء امام استفاده كرده وبراى پيوستن فضاحت بار به معاويه بيشتر تلاش مى كردند، وضع امام در اين موقعيت موجب سرگردانى وحيرت بود، از يك سو مبارزه با معاويه جهادى واجب مى ديد، واز سوى ديگر از هم پاشيدگى وروحيهء خيانت آميز سپاهيان را مى نگريست، با اينكه از اصلاحشان نا اميد بود باز خواست يك بار ديگر ميزان پايداريشان را در صورت وقوع جنگ بيازمايد از اينرو براى آنان خطبه خواند، هنوز خطبه امام پايان نيافته بود كه از هر سو فرياد سپاهيان برخاست: زنده مى مانيم زنده مى مانيم. امام پس از اين ماجراى دردناك دانست كه اگر بخواهد با معاويه بجنگد تنها ودست خالي مى ماند، با مشاهدهء چنين موقعيت سياه و دردناك امام مصلحت را در پذيرش صلح ديد وبيش از آنكه فاجعه أي ننگين پيش آيد در قبول آن شتاب ورزيد. _____ 1 - ارشاد المفيد: 170. (*)

_____